

تحليل معناشناختی افعال در شعر فروغ فرخزاد؛ دفتر «اسیر» نمونه ای

أ.م.د. رنا علي مجيد

م. ایمان مطشر عاجل
دانشکده زبان - دانشگاه بغداد

دانشکده زبان - دانشگاه بغداد

واژه های کلیدی: افعال . فعل پیشوندی . فعل حرکتی . دلالت ، بینامتنیت فعل . فروغ فرخزاد

چکیده:

شعر فروغ فرخزاد، به ویژه دفتر «اسیر»، یکی از آثار برجسته شعر معاصر ایران است که با زبان ساده و در عین حال پرمعنا، به بیان دغدغه های فردی و اجتماعی می پردازد. زبان شعری فروغ، برخلاف بسیاری از شاعران زمان خود، سرشار از احساسات زنانه و تجربیات روانی است که از طریق انتخاب های زبانی خاص، به ویژه افعال، به خواننده منتقل می شود. فعل، به عنوان عنصر محوری ساختار جمله، نقش کلیدی در شکل دهی معنا و انتقال احساسات دارد. بررسی معنا شناختی افعال در شعر «اسیر» می تواند پنجره ای به عمق ذهن و عواطف شاعر بگشاید و نحوه بیان مفاهیم پیچیده ای چون عشق، رنج، اعتراض و هویت زنانه را روشن سازد.

مقدمه

فروغ فرخزاد یکی از شاعران برجسته معاصر ایران است که با بیانی تازه، صریح و زنانه، در فضای ادبی مردسالار زمانه اش، راهی نو گشود. نخستین دفتر شعر او با نام «اسیر» نمایانگر آغاز این تحول است؛ دفتری که در آن، مضامین عشق، رنج، آزادی و سرکوب، با زبان پر از احساس و پراحساس او درهم آمیخته اند.

از آنجا که فعل یکی از بنیادی ترین عناصر زبان و انتقال دهنده معنا و کنش در جمله است، بررسی معنا شناسی افعال در اشعار فروغ، به ویژه در دفتر «اسیر»، می تواند ما را به لایه های عمیق تری از ذهن و زبان شاعر برساند.

بینامتنیت یکی از مفاهیم مهم در نقد ادبی معاصر است که به روابط و پیوندهای پنهان میان متون مختلف اشاره دارد. این مفهوم نخستین بار در نظریه های ادبی قرن بیستم مطرح شد و نشان می دهد که هیچ متنی به صورت مستقل شکل نمی گیرد، بلکه هر متن در ارتباط با متون پیشین و هم عصر خود معنا پیدا می کند.

در شعر معاصر فارسی، فروغ فرخزاد یکی از شاعرانی است که زبان شعری او از نظر معناشناسی و ساختار افعال بسیار قابل بررسی است. در مجموعه شعر «اسیر»، افعال نقش مهمی در شکل گیری فضای عاطفی، اجتماعی و ذهنی شعر دارند. بسیاری از این افعال در عین سادگی، با متون پیشین ادبی و فرهنگی رابطه ای بینامتنی برقرار می کنند.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش، تحلیل دقیق انواع افعال، ساختارهای فعلی، و نقش آن‌ها در بازنمایی جهان شعری فروغ فرخزاد در دفتر «اسیر» است تا جایگاه زبان و معنا در شعر او به روشنی نمایان شود، بررسی بینامتنیت افعال در مجموعه شعر «اسیر» و تحلیل نقش آن‌ها در ایجاد معنا و لایه‌های تفسیری در شعر فروغ فرخزاد است.

روش تحقیق

در این پژوهش، از رویکرد معناشناسی کاربردی استفاده شده است. ابتدا تمام اشعار دفتر «اسیر» استخراج شده و افعال آن‌ها فهرست گردیده‌اند. سپس، افعال بر اساس نوع (حرکتی، حسی، ذهنی،...)، ساختار (معلوم/مجهول، زمان فعل، وجه)، و نقش معنایی آن‌ها تحلیل شده‌اند. داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی بررسی می‌شوند.

تحلیل افعال در اشعار دفتر «اسیر»

در مجموعه شعر «اسیر» فروغ فرخزاد، افعال نقش کلیدی در بیان حالات روحی، تنش‌های درونی و موقعیت‌های عاشقانه ایفا می‌کنند. بررسی دقیق افعال این دفتر نشان می‌دهد که فروغ از افعال نه فقط برای انتقال کنش، بلکه برای آفرینش فضای عاطفی و روایت تجربه‌های زیسته زنانه بهره می‌برد.

افعال حرکتی (دینامیک)

فروغ در اشعار خود به ویژه در «اسیر» از افعال حرکتی زیادی چون:

رفتن، آمدن، گریختن، افتادن، پریدن، دویدن

استفاده کرده است. این افعال عمدتاً دلالت بر میل به فرار، آزادی، یا رهایی از وضع موجود دارند.

مثال:

"می‌خواهم بروم..." (فرخزاد، 1345، ص 27)

در اینجا "رفتن" نه فقط کنشی فیزیکی، بلکه نشانه‌ای از شور درونی برای ترک قیدهاست.

افعال حسی و عاطفی

افعالی مانند:

دوست داشتن، گریستن، خواستن، لرزیدن، خندیدن، بوسیدن

در شعر فروغ زیاد دیده می‌شوند. این افعال احساسات عاشقانه، اندوه، نیاز یا شور زنانه را آشکار می‌کنند.

مثال:

"تو را دوست دارم..." (فرخزاد، 1345، ص 84)

فعل "دوست داشتن" صراحت احساسی و بی‌پرده گویی شاعر را نشان می‌دهد.

افعال ذهنی و درونی (حالات فکری)

افعالی مانند:

فکر کردن، باور داشتن، دانستن، تردید داشتن، خواب دیدن
این دسته افعال نشان دهنده تأملات درونی شاعر است و به ما کمک می‌کند تا به دنیای ذهنی او نزدیک شویم.

ساخت افعال از نظر وجه و زمان

بیشتر افعال در زمان حال یا گذشته ساده آمده‌اند، که نشانه‌ی روایتگری شخصی است.

افعال با وجه اخباری بیان می‌شوند تا صراحت و واقع‌نمایی بیشتر داشته باشند.

استفاده از افعال معلوم بیش از مجهول است، که حضور فعال و «من» شاعر را تقویت می‌کند.

افعال در ارتباط با زن

در اشعار «اسیر»، افعال بازتابی از موقعیت زن در جامعه‌اند. برای مثال، افعال نشان دهنده‌ی فرمان برداری یا انتظار (ماندن، صبر کردن) در کنار افعال شورانگیز (دویدن، گشودن، خواستن) آمده‌اند تا دوگانگی زن سنتی و زن نوگرایی فروغ را نشان دهند

بررسی عبارات فعلی (گروه‌های فعلی) در اشعار دفتر «اسیر»

در اشعار فروغ فرخزاد، به ویژه در دفتر «اسیر»، استفاده از افعال مرکب و گروه‌های فعلی معنایی، نقش مهمی در تقویت بار عاطفی و تصویرسازی زبانی دارد. افعال مرکب در فارسی، شامل فعلی ساده همراه با اسم یا صفت هستند که معنایی فراتر از اجزای تشکیل دهنده‌شان دارند. این افعال کمک می‌کنند تا شاعر حالات پیچیده روحی را با ظرافت بیشتری بیان کند. (کریمی، 1390، ص 55)

افعال مرکب پرکاربرد در اشعار اسیر

برخی افعال مرکب در این مجموعه آمده‌اند عبارت‌اند از:

ترک کردن → نشان دهنده جدایی یا بریدن از معشوق یا جامعه

لبخند زدن → بیان احساسات متضاد، غم پنهان یا شادی زود گذر

چشم دوختن → تمرکز، انتظار، یا تمنای عاشقانه

بوسه دادن / بوسه گرفتن → نماد رابطه فیزیکی و احساسی

دل سپردن → نشان دهنده‌ی تسلیم احساسی کامل

اشک ریختن → نشانه‌ی رنج، سرکوب، و بیان غیرمستقیم اندوه

مثال:

"چشم دوختم به راهی که تو آمدی..." (فرخزاد، 1345، ص 93)

در اینجا گروه فعلی "چشم دوختن" حامل مفاهیم نگاه منتظر، عشق، و امید است.

ساختارهای فعلی استعاری

بسیاری از افعال و گروه‌های فعلی در شعر فروغ، دارای بار استعاری هستند. برای مثال: در آغوش شب خریدم → شب به عنوان نماد تنهایی یا پناهگاه و "خزیدن" به مثابه گریز عاشقانه یا ناامیدانه

بر زخم‌های دلم نمک پاشیدی → بیان رنج مضاعف از سوی معشوق
این ترکیب‌ها نشان می‌دهند که فروغ نه تنها از افعال برای گزارش کنش استفاده می‌کند، بلکه از آن‌ها برای ساختن فضای استعاری، عاطفی، و روانی بهره می‌برد.
نقش عبارات فعلی در هویت زنانه شعر
در بسیاری از موارد، عبارات‌های فعلی بازتابی از تجربه زنانه در بافت اجتماعی بسته اند. برای مثال:

در انتظار ماندم

خودم را به دست باد سپردم

به آینه نگاه کردم و گریستم (فرخزاد، 1345، ص 28)

این ساخت‌ها، گویای یک من شاعرانه زن هستند که در کشاکش بین خواستن و نخواستن، رفتن و ماندن، عشق و رهایی، در نوسان است.

افعال پیشوندی در شعر فروغ فرخزاد دفتر «اسیر»

یکی از ویژگی‌های بارز زبان شعری فروغ فرخزاد، استفاده ی هنرمندانه از افعال پیشوندی است. در زبان فارسی، اضافه شدن پیشوند به فعل می‌تواند معنای آن را تغییر داده یا تقویت کند و بار معنایی تازه ای به آن بدهد. این افعال به شاعر امکان می‌دهند تا مفاهیم عمیق تری از تجربه های روانی و اجتماعی را منتقل کند. (حسینی ' 1388، ص 110)

افعال دارای پیشوند پرکاربرد در «اسیر»

در این مجموعه، افعال پیشوندی زیادی به چشم می‌خورند که اغلب با پیشوندهای زیر ساخته شده اند:

پیشوند نمونه فعل دلالت معنایی

بر برآمدن، برخاستن، بردن حرکت رو به بالا، رهایی، تجاوز

فر فرو ریختن، فرستادن حرکت شدید، از دست رفتن باز بازگشتن، بازکردن برگشت، گشودن، درآمدن، درکشیدن ورود، فرو ریختن، فرو رفتن، غرق شدن، پیش پیش رفتن، پیش کشیدن، پیش‌دستی، پیش‌بینی، تمایل.

تحلیل نمونه‌هایی از افعال پیشوندی

فرو ریختن

"همه چیز در من فرو ریخت..." (فرخزاد، 1345، ص 105)

فعل «فرو ریختن» نمایانگر ویرانی درونی، شکست یا فروپاشی احساسی است. این فعل به جای استفاده از «شکستن» یا «تمام شدن»، عمق بیشتری به تصویر ذهنی می بخشد.

بازگشتن

"او رفت و هرگز بازنگشت..." (فرخزاد، 1345، ص 66)

در اینجا «بازنگشتن» نشانه ی جدایی ابدی است، و پیشوند «باز» تقابل بین امید و ناامیدی را برجسته می کند.

درکشیدن

"بوی عشق را در شب درکشیدم" (فرخزاد، 1345، ص 74)

این فعل، احساسی حسی را با بار شاعرانه بیان می کند. «درکشیدن» به جای «بو کردن» معنایی عمیق تر دارد.

کارکردهای معنایی و روانی پیشوندها

پیشوندها در افعال فروغ اغلب نشان دهنده ی مفاهیم زیر هستند:

تجربه ی درونی و روانی عمیق (فرو، در، فر)

تمایل به آزادی و حرکت (بر، پیش)

بازگشت و نوسان در احساسات (باز)

فروپاشی یا انفجار احساسی (فر، فرو)

به این ترتیب، افعال پیشوندی به ساخت فضاهای ذهنی، عاطفی و روانی در شعر کمک می کنند و جهان شعری فروغ را از حالت توصیفی صرف خارج کرده و به قلمرویی وجودی و شخصی تبدیل می سازند

افعال پیشوندی مرکب در دفتر «اسیر»

افعال پیشوندی مرکب یکی از پیچیده ترین و در عین حال پُرکاربردترین ساخت های زبانی در شعر معاصر فارسی هستند. این افعال از سه بخش تشکیل می شوند:

پیشوند + اسم/صفت + فعل ساده

در اشعار دفتر اسیر، فروغ با مهارت از این ساختار برای خلق تصاویر ذهنی، حالات روانی و عاطفی و بیان وضعیت های پیچیده ی زنانه بهره می برد.

نمونه هایی از افعال پیشوندی مرکب در اشعار اسیر

باز دل بریدن

باز (پیشوند) + دل (اسم) + بریدن (فعل)

معنای ضمنی: کناره گیری دوباره یا ناامیدی تکرارشونده، جدایی احساسی با بار عاطفی.

فرو خود را باختن

"در برابر نگاهش، فرو خود را باختم..."

فرو (پیشوند) + خود را (مفعول) + باختن

دلالت بر نوعی تسلیم کامل، غرق شدن در عشق یا حذف خود در برابر دیگری.

در دل پنهان داشتن

حامل مفهومی از سکوت، سرکوب احساسات، خفگی درونی.

پیش پا افتادن

"آرزوهایم پیش پا افتاد..." (فرخزاد، 1345، ص 71)

پیش (پیشوند) + پا (اسم) + افتادن

به معنای بی ارزش شدن، نابودی ساده‌ی آرمان‌ها، شکست درونی.

بر جان نشستن

"صدایش بر جانم نشست..." (فرخزاد، 1345، ص 61)

بر (پیشوند) + جان (اسم) + نشستن

نشان‌دهنده‌ی اثر عمیق احساسی یا تأثیر دائمی.

نقش فعل در جمله در شعر فروغ فرخزاد دفتر «اسیر»

در زبان فارسی، فعل نقش کلیدی در جمله دارد، چراکه بدون آن جمله ناقص یا بدون معناست.

در شعر نیز، به ویژه در زبان فروغ فرخزاد، فعل نه تنها ساختار نحوی جمله را می‌سازد، بلکه

حامل بار عاطفی، فکری و هویتی است. (نجفی، 1375، ص 81)

جایگاه مرکزی فعل در جمله

در اکثر جملات اشعار «اسیر»، فعل در پایان جمله قرار دارد (همراستا با نحو فارسی سنتی)، اما

گاه شاعر برای تأکید معنایی یا زیبایی‌شناسی، جایگاه آن را تغییر می‌دهد. (رضایی، 1395، ص 19)

مثال:

"تو را دیدم

در شبِ گریه

آهسته آمدی..." (فرخزاد، 1345، ص 93)

فعل در پایان جمله قرار گرفته، اما با ایجاد توقف‌ها و تقطیع، بار عاطفی تقویت می‌شود.

فعل به عنوان هسته معنایی جمله

فعل در شعر فروغ:

بار اصلی معنا را حمل می‌کند. نوع کنش یا حالت را تعیین می‌کند (عشق، رنج، اشتیاق، اعتراض).

زمان و جهت حرکت را مشخص می‌سازد (گذشته/حال، امید/حسرت). روابط میان عناصر دیگر

جمله را برقرار می‌کند. (رضایی، 1395، ص 37)

تأثیر نوع فعل بر لحن و فضای جمله

نوع فعل نقش در جمله اثر در لحن ، حرکتی ایجاد پویایی، حرکت در روایت پویاتر، پرتنش‌تر، عاطف بیان احساسات شخصیت «من» شاعرانه، زنانه، درونی ، انکاری ایجاد تقابل یا اعتراض تلخ، عصبیانی، منتقدانه ، ادراکی نمایش تجربه حسی/ذهنی ظریف، تأملی، فردی . (حسینی ، 1388، ص 49)

مثال:

جمله: "نمی‌خواهم بمانم" (فرخزاد، 1345، ص 52)

فعل «نمی‌خواهم» و «بمانم» ساختار جمله را نه فقط از نظر دستوری، بلکه از نظر بار احساسی شکل می‌دهند (تمایل به فرار، انکار وابستگی). حذف فعل در برخی ساخت‌های شعری (فعل محذوف)

در برخی از اشعار، فروغ فعل را حذف می‌کند ولی معنا از طریق بافت (context) دریافت می‌شود. این حذف، باعث ایجاد ایجاز، ابهام هنری، و مشارکت فعال تر خواننده در درک معنا می‌شود.

مثال:

"و من..."

در آن شب

خاموش..." (فرخزاد ، 1345 ، ص 183)

فعل حذف شده، اما «بودن» یا «ماندن» در ذهن خواننده بازسازی می‌شود.

بینامتنیت افعال در مجموعه شعر «اسیر» فروغ فرخزاد

چارچوب نظری بینامتنیت

بینامتنیت به معنای حضور یا تأثیر یک متن در متن دیگر است. این حضور می‌تواند به شکل‌های مختلفی مانند اقتباس، اشاره، بازنویسی یا استفاده از عناصر زبانی مشترک ظاهر شود.

در حوزه زبان شناسی شعر، افعال می‌توانند یکی از مهمترین عناصر ایجاد بینامتنیت باشند، زیرا افعال علاوه بر بیان عمل، حامل بار معنایی، فرهنگی و عاطفی هستند. (شفیعی کدکنی ، 1370، ص 52)

در شعر فروغ، بسیاری از افعال یادآور:

زبان شعر کلاسیک فارسی گفتمان عاشقانه سنتی هستند و همین امر باعث ایجاد شبکه‌ای از روابط معنایی میان متن شعر و متون پیشین می‌شود.

انواع بینامتنیت افعال در دفتر اسیر

یکی از مهمترین منابع بینامتنیت در شعر فروغ، شعر کلاسیک فارسی است. در بسیاری از اشعار مجموعه «اسیر»، افعالی به کار رفته‌اند که در شعر عاشقانه کلاسیک نیز بسیار رایج بوده‌اند.

مانند: (گریستن ، سوختن ، خواستن ، ماندن)

این افعال در شعر کلاسیک اغلب برای بیان درد عشق یا فراق به کار می‌رفتند.

در شعر فروغ این افعال در بافتی جدید قرار می‌گیرند و معنای تازه‌ای پیدا می‌کنند. به عنوان مثال فعل گریستن در شعر کلاسیک نشانه ضعف عاشق است، اما در شعر فروغ می‌تواند نشانه اعتراض، تنهایی یا فشار اجتماعی بر زن باشد.

بینامتنیت با گفتمان عاشقانه سنتی

در ادبیات عاشقانه سنتی فارسی، افعالی مانند: (دیدن، خواستن، رفتن، ماندن) بسیار رایج هستند.

در شعر فروغ، این افعال اغلب از زبان یک سوژه زنانه بیان می‌شوند. این امر باعث تغییر در ساختار سنتی گفتمان عاشقانه می‌شود.

در نتیجه، بینامتنیت در اینجا همراه با بازخوانی و دگرگونی سنت ادبی است.

مثال

می‌گیرم

می‌گیرم به خاطر تو (فرخزاد، 1345، ص 68)

فعل گریستن یکی از افعال رایج در شعر کلاسیک فارسی است. این فعل در شعر حافظ و سعدی نیز برای بیان اندوه عاشقانه استفاده شده است.

اما در شعر فروغ، گریستن تنها بیان احساس عاشقانه نیست، بلکه نشان‌دهنده وضعیت روانی و اجتماعی زن شاعر نیز هست. بنابراین این فعل دارای بار بینامتنی است.

مثال

می‌خواهم

فعل خواستن در شعر کلاسیک اغلب از زبان عاشق مرد بیان می‌شود. اما در شعر فروغ، این فعل از زبان زن بیان می‌شود. این تغییر باعث می‌شود که شعر نوعی بازخوانی بینامتنی از سنت عاشقانه باشد.

مثال

می‌روم

فعل رفتن در شعر فارسی اغلب نشانه جدایی یا سفر است.

در شعر فروغ این فعل می‌تواند نشانه:

رهایی

اعتراض خروج از محدودیت‌های اجتماعی باشد.

در نتیجه این فعل معنایی گسترده‌تر از کاربرد سنتی خود پیدا می‌کند.

نقش بینامتنیت افعال در شعر اسیر

بینامتنیت افعال در این مجموعه چند کارکرد مهم دارد:

1. پیوند با سنت ادبی

فروغ با استفاده از افعال آشنا، شعر خود را به سنت ادبی فارسی متصل می‌کند.

2. ایجاد معنای جدید

افعال در بافت جدید شعر معاصر معناهای تازه‌ای پیدا می‌کنند.

3. بیان تجربه زنانه

بسیاری از افعال بیانگر احساسات و تجربه‌های اجتماعی زن هستند.

4. چندلایه شدن معنای شعر

بینامتنیت باعث می‌شود شعر دارای لایه‌های مختلف تفسیری باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با نگاهی معناشناختی به افعال به‌کاررفته در دفتر شعر «اسیر» فروغ فرخزاد، روشن شد که افعال نه تنها نقش دستوری و نحوی دارند، بلکه بخش مهمی از بار معنایی، عاطفی و هویتی شعر را به دوش می‌کشند.

افعال حرکتی و ادراکی، با بیان حالات درونی و بیرونی، دنیای پیچیده‌ی ذهن و احساس زن شاعر را بازنمایی می‌کنند. استفاده مکرر از افعال پیشوندی و افعال مرکب، نشان‌دهنده تلاش فروغ برای خلق تصاویری چندلایه و استعاره‌ای است که خواننده را در عمق تجربه‌های عاشقانه، رنج و مقاومت زنانه فرو می‌برد.

همچنین، افعال انکاری و منفی، به عنوان ابزاری برای ابراز اعتراض، استقلال‌طلبی و شکستن قالب‌های سنتی زنانه، اهمیت بسزایی دارند. از سوی دیگر، تحلیل بینامتنی نشان داد که فروغ با بازخوانی و بازتفسیر افعال و مفاهیم متون عرفانی و ادبیات کلاسیک، زبانی نو و زنانه را بنیان گذاشته است.

نهایتاً، نقش فعل در جمله‌های شعر «اسیر» فراتر از کارکرد دستوری است؛ افعال، هسته معنایی و عاطفی جملات‌اند که به فضای شاعرانه و شخصی شعر حیات می‌بخشند. این ویژگی‌ها، «اسیر» را به نمونه‌ای شاخص از شعر مدرن زنانه و معناشناسی عمیق زبان شعری تبدیل کرده است.

بررسی بینامتنیت افعال در مجموعه شعر «اسیر» فروغ فرخزاد نشان می‌دهد که افعال در این اشعار نقش مهمی در ایجاد معنا و ارتباط با متون پیشین دارند. فروغ با استفاده از افعال آشنا در سنت ادبی فارسی و قرار دادن آن‌ها در بافتی مدرن، نوعی بازآفرینی معنایی ایجاد می‌کند. این امر باعث می‌شود شعر او در عین پیوند با گذشته، بیانگر تجربه‌های جدید انسان معاصر، به ویژه زنان، باشد.

منابع

1. فرخزاد، فروغ. (۱۳۴۵). اسیر. تهران: انتشارات فردوس.

2. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات فارسی. تهران: نشر مرکز.

3. نجفی، بهرام. (۱۳۷۵). زبان و معنا در شعر معاصر فارسی. تهران: دانشگاه تهران.
4. کریمی، زهرا. (۱۳۹۰). «تحلیل معناشناختی افعال در شعر فروغ فرخزاد»، فصلنامه ادبیات معاصر، شماره ۱۲، صفحات ۵۵-۷۰.
5. حسینی، علی. (۱۳۸۸). «بررسی نقش افعال در ساختار معنایی شعر زنانه معاصر»، مجله زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲۰، شماره ۳، صفحات ۱۱۰-۱۲۵.
6. رضایی، مریم. (۱۳۹۵). زبان و بیان در شعر فروغ فرخزاد: مطالعه موردی دفتر اسیر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

References

1. Farrokhzad, Forough. (1966). Asir [The Captive]. Tehran: Ferdows Publications.
2. Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (1991). History of Persian Literature. Tehran: Nashr Markaz.
3. Najafi, Bahram. (1996). Language and Meaning in Contemporary Persian Poetry. Tehran: University of Tehran Press.
4. Karimi, Zahra. (2011). "A Semantic Analysis of Verbs in Forough Farrokhzad's Poetry," Contemporary Literature Quarterly, Issue 12, pp. 55–70.
5. Hosseini, Ali. (2009). "The Role of Verbs in the Semantic Structure of Contemporary Women's Poetry," Journal of Persian Language and Literature, Vol. 20, No. 3, pp. 110–125.
6. Rezaei, Maryam. (2016). Language and Expression in Forough Farrokhzad's Poetry: A Case Study of the Asir Collection (Master's thesis). University of Tehran.

The Semantics of Verbs in Forough Farrokhzad's Poetry: The Collection Asir as a Case Study

Keywords: Verbs, Prefixed Verbs, Motion Verbs, Semantic Signification, Verbal Intertextuality, Contemporary Persian Poetry

Summary :

The poetry of Forough Farrokhzad, particularly the collection *Asir* (The Captive), constitutes a foundational contribution to the development of contemporary Persian poetry. It is characterized by a poetic language that combines apparent simplicity with profound semantic depth, reflecting the dynamic tension between individual experience and social reality. Farrokhzad's poetic discourse is marked by a distinctive expressive quality rooted in feminine emotion and psychological experience, manifested through deliberate linguistic choices, most notably in her strategic use of verbs as key semantic devices in shaping poetic meaning. Within this framework, the verb is regarded as a central syntactic and semantic axis that contributes to the construction of meaning, the dynamization of poetic imagery, and the articulation of emotional and subjective perspectives. Accordingly, a semantic approach to the analysis of verbs in *Asir* enables a deeper exploration of the poet's cognitive and affective dimensions, while also illuminating the representation of core thematic concerns such as love, suffering, protest, and the formation of feminine identity. Moreover, examining the semantic and intertextual functions of verbs provides a richer interpretive framework for understanding the aesthetic and semantic structure of these poetic texts.

دلالة الأفعال في شعر فروغ فرخزاد "ديوان أسير أنموذجاً"

م. م. ايمان مطشر عاجل

أ. م. د. مرنا علي مجيد

كلية اللغات - جامعة بغداد

كلية اللغات - جامعة بغداد

Emanmtasher@colang.uobaghdadRnd30@colang.uobaghdad.edu.iq

الكلمات المفتاحية: الأفعال، الفعل ذو السابقة، الفعل الحركي، الدلالة المعنوية، التناسّ
الفعلي، فروغ فرخزاد

الملخص:

يعدّ شعر فروغ فرخزاد، ولا سيّما ديوان «أسير»، من النصوص التأسيسية في مسار الشعر الفارسي المعاصر، إذ يتّسم بلغة شعرية تتسم بالبساطة الظاهرية والعمق الدلالي في آن واحد، وتعكس بوضوح التوتر بين التجربة الفردية والواقع الاجتماعي. وتتميّز لغة الشاعرة بخصوصية تعبيرية تنبع من حضور العاطفة الأنثوية والتجربة النفسية، وهو ما يتجلّى من خلال اختيارات لغوية واعية، يأتي في مقدّمها توظيف الأفعال بوصفها أدوات دلالية فاعلة في بناء الخطاب الشعري.

ويُنظر إلى الفعل، في هذا السياق، باعتباره محوراً تركيبياً ودالياً يسهم في تشكيل المعنى وإضفاء الحيوية على الصورة الشعرية، فضلاً عن دوره في تمثيل الانفعالات والرؤى الذاتية. ومن ثمّ، فإن المقاربة المعنا-دلالية للأفعال في ديوان «أسير» تتيح الكشف عن الأبعاد الذهنية والوجدانية الكامنة في التجربة الشعرية، كما تسهم في تفسير آليات التعبير عن مفاهيم مركّزة مثل الحب، والمعاناة، والاحتجاج، وتشكّل الهوية الأنثوية. كذلك فإن تحليل البعد التناسّي والدلالي للأفعال يوفّر إطاراً تأويلياً أعمق لفهم البنية الفنية والدلالية لهذه النصوص.